



«آرمان ملی» گزارش می دهد

باز شدن تنگه هرمز تا پایان آتش بسی

همین صفحه

محمد مهاجری در گفت و گو با «آرمان ملی»:
**دستاوردهای جنگ
به نام ایران و ملت ایران است**
آرمان ملی: من معتقدم در این جنگ یکسری واقعیت‌ها در کشور روشن شد. وقتی که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها زیرساخت‌های اقتصادی کشور را بمباران کردند شاید خودمان هم باورمان نمی‌شد که با وجود بیش از ۲۰ سال تحریم گسترده و جدی چقدر توانسته بودیم ...
همین صفحه

«آرمان ملی» تحولات پیرامون مذاکرات ایران و آمریکا را بررسی می‌کند
دیپلماسی از تهران تا واشنگتن
صفحه ۳
«آرمان ملی» از فشار تندروها بر قالیباف گزارش می‌دهد
حفظ منافع ملی در رقابت سیاسی؟
خط بطلان بکشند؟ آتش بسی موقت معنایی جز این ندارد که طرف‌های درگیر متوجه شده‌اند که ادامه جنگ چه هزینه سنگینی دارد و برای همین به شکل کاملاً کنترل شده ...
صفحه ۲
«آرمان ملی» خبر اخراج ۷ هزار نیرو از یک هلدینگ بزرگ خودروسازی را بررسی می‌کند
زنگ هشدار شایعات در صنعت خودرو
همین صفحه

یادداشت
جامعه در غیاب گفت و گو
سعید خادمی
مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور
جامعه‌ها ناگهان منفجر نمی‌شوند؛ پیش از آن، سال‌ها حرف‌هایی گفته می‌شود که کسی گوش نمی‌دهد. پرسش اصلی همین است: یک جامعه دقیقاً چه زمانی توان شنیدن خود را از دست می‌دهد؟ نظر به دیدگاه‌های یورگن هابرماس، فیلسوف آلمانی ...
ادامه در همین صفحه

سخن روز
تنگه هرمز و آتش بسی لبنان
علی اصغر زرگر
تحلیگر مسائل بین‌الملل
تنگه هرمز آبراهی استراتژیک است که همواره شاهد عبور و مرور کشتی‌های مختلف از این تنگه بوده‌ایم. خلیج فارس منابع انرژی حدوداً بین ۳۰ تا ۳۲ درصد دنیا چه گاز و چه نفت را دربر دارد که بخش مهمی از آن توسط کشتی‌ها حمل و نقل می‌شود. علاوه بر آن ...
صفحه ۲

«آرمان ملی» از مواجهه لبنان و اسرائیل گزارش می‌دهد
از آتش بسی تا نقض آتش بسی
آرمان ملی- لبنان برای همه طرف‌ها محل مناقشه است و نقش مهمی در منطقه ایفا می‌کند. هم برای ایران که لبنان را در محور مقاومت می‌بیند و بر همین اساس در هرگونه توافقی با آمریکا امنیت لبنان را نیز قید می‌کند و هم برای طرف مقابل که نمی‌خواهد لبنان را در قالب توافق از دست دهد. به ویژه اینکه رژیم صهیونیستی نیز بارها اعلام کرده بود که به هرگونه آتش بسی کاری نخواهد داشت و در قبال لبنان برنامه خود را پیش خواهد برد. چنان‌که شاهد بودیم طی هفته‌ها و روزهای اخیر بارها جنوب لبنان و شهرهای مختلف این کشور را مورد تجاوز و حمله قرار داد. با این حال غروب پنجشنبه خبری در رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. خبر آتش بسی میان لبنان و اسرائیل که بسیاری هم نسبت به آن واکنش نشان دادند. آتش بسی که هر چقدر لبنانی‌ها از آن خوشحال شدند اما صهیونیست‌ها را بسیار ناراحت و خشمگین کرد. در همین خصوص رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که آتش بسی میان لبنان و اسرائیل از نیمه شب پنجشنبه به مدت ۱۰ روز اجرایی خواهد شد. در پی این آتش بسی رسانه‌های اسرائیلی بسیار به ترامپ تاختند و سیاستمداران این رژیم نیز مواضع مختلفی در مورد آتش بسی مطرح کردند. اما این آتش بسی بسیار در ایران و سایر کشورها مورد استقبال قرار گرفت. ایران، پاکستان، مصر، آلمان، فرانسه، بریتانیا، شورای اروپا، عربستان، کویت، حماس و ... کشورها و گروه‌هایی بودند که از این توافق استقبال کردند.
واکنش حزب‌ها...
حزب‌ها... لبنان به آتش بسی با اسرائیل واکنش نشان داد. المیادین گزارش داد، حزب‌ها... لبنان با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد، طی ۴۵ روز گذشته رزمندگان در دفاع از لبنان و ملت این کشور عملیات‌های مختلفی علیه دشمن صهیونیستی انجام دادند. در تاریخ بین ۲ مارس تا ۱۶ آوریل ۲ هزار و ۱۸۴ عملیات نظامی مختلف انجام شد. در ادامه این بیانیه آمده است، موشک‌ها و پهپادهای مقاومت لبنان شهرک‌های اشغالی رژیم صهیونیستی را تا بعد از تل‌آویو به عمق ۱۶۰ کیلومتر راه‌هدف قرار دادند. رزمندگان لبنانی به صورت میانگین روزانه ۴۹ عملیات انجام دادند. در این بیانیه تأکید شده است، دست نیروهای مقاومت در برابر نبرگ دشمن همچنان روی ماشه است. عهد مجاهدان با دبی‌رکل حزب‌ها... و ملت لبنان این است که تا آخرین نفس ایستادگی کرده و پرچم از دست آنها روی زمین نیفتد.
نقض آتش بسی
با وجود اجرایی شدن آتش بسی در لبنان، تجاوزات رژیم صهیونیستی به مناطق جنوبی این کشور روز گذشته همچنان ادامه یافت. خبرگزاری ملی لبنان گزارش داد که شهرک‌های «الخیام» و «دبین» در جنوب این کشور پس از آغاز رسمی آتش بسی هدف حملات قرار گرفته‌اند. در همین راستا، ارتش لبنان نیز با تأیید نقض آتش بسی اعلام کرده که رژیم صهیونیستی پس از اعلام این توافق، چندین روستا در جنوب لبنان را بمباران کرده است. ارتش لبنان همچنین در اطلاعیه‌ای از ساکنان مناطق جنوبی خواست به دلیل تداوم و تکرار نقض آتش بسی از سوی رژیم صهیونیستی، بازگشت خود به این مناطق را به تعویق بیندازند. در این اطلاعیه به مواردی از گلوله‌باران چندین روستا در جنوب کشور نیز اشاره شده است. از سوی دیگر، یک مقام حزب‌ها... لبنان تأکید کرد هرگونه نقض آتش بسی از سوی رژیم صهیونیستی با پاسخ نظامی مقاومت مواجه خواهد شد.

«آرمان ملی» از وضعیت تنگه هرمز گزارش می‌دهد
باز شدن تنگه هرمز تا پایان آتش بسی
مردم داخل کشور را بیش از پیش نگران کرده، سکوت مطلق و عجیب شورای عالی امنیت ملی و تیم مذاکره‌کننده است. در ادامه تأکید شده: «شهروندان تأکید دارند که اعتماد به رعایت خطوط قرمز نظام توسط مسئولان و تدبیر آنها را قبول دارند، اما انتظار می‌رود پشت درهای بسته است. عراقچی نوشت: «در راستای آتش بسی در لبنان، عبور همه کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز برای مدت باقی‌مانده از آتش بسی کاملاً با اعلام می‌شود، بر روی مسیر هماهنگ شده‌ای که پیش‌تر توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است». اگرچه در این توییت عراقچی سخنی از دریافت عوارض نکرده اما لحن این توییت برمی‌آید که عبور و مرور در تنگه هرمز با محدودیت خاصی همراه نیست. دقیقاً همین برداشت از توییت عراقچی است که برخی مخالفان کاهش تنش را به واکنش واداشته است. فارس در این زمینه رشته توییتی منتشر کرد و نوشت: «همزمان با توییت غیرمنتظره وزیر امور خارجه درباره آزادسازی تنگه هرمز و متعاقب آن رجزخوانی‌های عصبی ترامپ، جامعه ایران در هاله‌ای از سردرگمی فرو رفته است. تحلیلگران بین‌المللی رفتار اخیر رئیس‌جمهور آمریکا را ناشی از استیصال در میدان پیچیده ایرانی ارزیابی می‌کنند، اما آنچه در حالی که از ابتدای شکل‌گیری آتش بسی موقت گفته می‌شد که آرامش در لبنان و موضوع تنگه هرمز هم در فهرست شرایط قرار گرفته، نه لبنان آرام شد و نه تنگه هرمز به وضع قبل برگشت. ایران بر تسلط خود بر تنگه تأکید کرده و در عین حال معتقد بود حملات رژیم صهیونیستی به لبنان باید متوقف شود. با رسیدن خبر احتمال گفت‌وگو و مستقیم مقامات لبنانی و اسرائیلی در آمریکا به نظر می‌رسد که آمریکایی‌میل نیست ماجرای لبنان را از آتش بسی موقت جدا کند، موضوعی که ایران با آن مخالف بود و بنابه گفته محمد باقر قالیباف ایران و حزب‌ها... لبنان را یک پیگیر می‌دانست. در عین حال با گذشت چند روز از گفت‌وگو در پاکستان، رفت و آمد مقامات پاکستان به ایران و تحرکات دیگری که در سطح منطقه جریان داشت، نشانه‌ای از فعال بودن

«آرمان ملی» افکار عمومی این روزها اخبار را با دقت دنبال می‌کند و در سکوت مسئولان از چگونگی ادامه تعامل با طرف مقابل، هر خبر خوبی را به نشانه پایان کشمکش تصور می‌کند. در این بین توییت سیدعباس عراقچی تا حد زیادی روشن‌کننده وضعیت تعامل پشت درهای بسته است. عراقچی نوشت: «در راستای آتش بسی در لبنان، عبور همه کشتی‌های تجاری از تنگه هرمز برای مدت باقی‌مانده از آتش بسی کاملاً با اعلام می‌شود، بر روی مسیر هماهنگ شده‌ای که پیش‌تر توسط سازمان بنادر و دریانوردی جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است». اگرچه در این توییت عراقچی سخنی از دریافت عوارض نکرده اما لحن این توییت برمی‌آید که عبور و مرور در تنگه هرمز با محدودیت خاصی همراه نیست. دقیقاً همین برداشت از توییت عراقچی است که برخی مخالفان کاهش تنش را به واکنش واداشته است. فارس در این زمینه رشته توییتی منتشر کرد و نوشت: «همزمان با توییت غیرمنتظره وزیر امور خارجه درباره آزادسازی تنگه هرمز و متعاقب آن رجزخوانی‌های عصبی ترامپ، جامعه ایران در هاله‌ای از سردرگمی فرو رفته است. تحلیلگران بین‌المللی رفتار اخیر رئیس‌جمهور آمریکا را ناشی از استیصال در میدان پیچیده ایرانی ارزیابی می‌کنند، اما آنچه در حالی که از ابتدای شکل‌گیری آتش بسی موقت گفته می‌شد که آرامش در لبنان و موضوع تنگه هرمز هم در فهرست شرایط قرار گرفته، نه لبنان آرام شد و نه تنگه هرمز به وضع قبل برگشت. ایران بر تسلط خود بر تنگه تأکید کرده و در عین حال معتقد بود حملات رژیم صهیونیستی به لبنان باید متوقف شود. با رسیدن خبر احتمال گفت‌وگو و مستقیم مقامات لبنانی و اسرائیلی در آمریکا به نظر می‌رسد که آمریکایی‌میل نیست ماجرای لبنان را از آتش بسی موقت جدا کند، موضوعی که ایران با آن مخالف بود و بنابه گفته محمد باقر قالیباف ایران و حزب‌ها... لبنان را یک پیگیر می‌دانست. در عین حال با گذشت چند روز از گفت‌وگو در پاکستان، رفت و آمد مقامات پاکستان به ایران و تحرکات دیگری که در سطح منطقه جریان داشت، نشانه‌ای از فعال بودن

رئیس‌جمهور
دنبال سلاح هسته‌ای نبوده‌ایم و نیستیم
رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی تلویزیونی با تشریح اقدامات دولت در حوزه اقتصادی، دستاوردهای دفاعی و دیپلماتیک و چالش‌های پیش‌روی کشور در جریان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به ایران، اظهار کرد: آنچه مجموعه دولت در این مدت در پی آن بود، با لطف خداوند محقق شد و توانستیم ماه مبارک رمضان و سال نور بدون احساس کمبود و با ثبات قیمت‌ها مدیریت جنگ مسعود پزشکیان با بیان اینکه تبعات جنگ

جامعه در غیاب گفت و گو
ادامه یادداشت / برجسته‌ترین نماینده نسل دوم مکتب فرانکفورت، فرصتی برای بازگشت به همین پرسش است. هابرماس پیش از نیم قرن بر یک ایده بنیادین ایستاد: مشروعیت سیاسی نه از زور برمی‌خیزد و نه صرفاً از سنت؛ بلکه از توانایی یک قدرت برای توضیح و دفاع از خود در برابر افکار عمومی. به تعبیر او، «قدرت تنها زمانی مشروع است که بتواند دلایل خود را در فضای عمومی عرضه کند». پروژه فکری هابرماس از مفهوم حوزه عمومی آغاز شد؛ فضایی میان دولت و جامعه که در آن شهروندان می‌توانند درباره امور مشترک بحث کنند، استدلال بیاورند و به فهمی مشترک برسند. اما او خیلی زود هشدار داد که این فضا شکننده است. سیاست و اقتصاد می‌توانند زبان گفت‌وگو را به زبان مدیریت، تبلیغ یا کنترل تقلیل دهند. هابرماس این وضعیت را «استعمار زیست‌جهان» نامید؛ لحظه‌ای که ارتباط انسانی دیگر برای تفاهم نیست، بلکه ابزاری برای اداره جامعه می‌شود. برای دیدن این استعمار، لازم نیست سراغ مثال‌های دور برویم. کافی است یک مناظره تلویزیونی، یک میزگرد دانشگاهی، یا حتی یک بحث داغ در شبکه‌های اجتماعی را نگاه کنیم؛ همه حرف می‌زنند، کمتر کسی پاسخ می‌دهد. سؤال‌ها شنیده نمی‌شوند، فقط موضع‌ها تکرار می‌شوند. گفت‌وگو جایش را به اعلام موضع داده است. اگر این چارچوب را تعمیم دهیم، نشانه‌ها روشن‌اند: اعتراضات و کاهش مشارکت سیاسی، فاصله نسل جوان با سیاست و شکل‌گیری آنچه برخی جامعه‌شناسان «افکار عمومی خاموش» نامیده‌اند. این‌ها رویدادهای جدا از هم نیستند؛ همه از یک بحران مشترک خبر می‌دهند: فرسایش ارتباط میان جامعه و ساختارهای رسمی. هابرماس دموکراسی را صرفاً یک سازوکار حقوقی یا انتخاباتی نمی‌دانست. از نظر او، دموکراسی پیش از هر چیز فرایند شکل‌گیری اراده جمعی از طریق گفت‌وگو است. وقتی این فرایند مختل شود، حتی نهاد‌های رسمی مشارکت نیز به تدریج تهی می‌شوند. جامعه‌ای که در آن پاسخ جای گفت‌وگو را بگیرد، دیر یا زود وارد مدار بی‌اعتمادی می‌شود. البته نظریه هابرماس نیز بی‌نقد نمانده است. منتقدان او گفته‌اند که عقلانیت گفت‌وگویی، در جهانی نابرابر و آکنده از روابط قدرت، پیش از حد خوش‌بینانه است. همه صداها در عمل امکان برابر برای شنیده شدن ندارند و گفت‌وگو، اگر به این نابرابری‌ها بی‌اعتنا باشد، می‌تواند خود به ابزاری برای حذف بدل شود. این نقد مهم است و باید جدی گرفته شود. اما حتی با پذیرش این نقد، تشخیص هابرماس همچنان معتبر است؛ بسیاری از بحران‌های سیاسی پیش از آنکه امنیتی یا اقتصادی شوند، بحران ارتباطی هستند. لحظه‌ای که اعتماد عمومی فرسوده می‌شود و زبان مشترک میان جامعه، دولت و نخبگان از میان می‌رود. در چنین وضعیتی، نقش دانشگاهیان، رسانه‌ها و روشنفکران تعیین‌کننده است. اگر این گروه‌ها از گفت‌وگو به شعار پناه ببرند، اگر تحلیل را با تهییج احساسی یا مصلحت‌جویی جایگزین کنند، خود به بخشی از همان بحران تبدیل می‌شوند که درباره‌اش هشدار می‌دهند. جامعه به صداهایی نیاز دارد که بتوانند میان خشم اجتماعی و عقلانیت مدنی پل بزنند. نه آنکه یکی را قربانی دیگری کنند. هابرماس دیگر در میان ما نیست، اما پرسشی که طرح کرد همچنان زنده است: جامعه‌ای که دیگر به شنیده شدن باور ندارد، چگونه می‌تواند بدون خشونت تغییر کند؟ تجربه تاریخ نشان می‌دهد جامعه‌ها در سکوت نمی‌میرند؛ آنها در لحظه‌ای فرومی‌باشند که هنوز همه در حال حرف زدن‌اند، اما دیگر هیچ‌کس مطمئن نیست کسی واقعا گوش می‌دهد.